

بقلم: آقای حسین شکیبا

آداب و رسوم کردها

(اعیاد)

عوامل هجوم و اختلاط و آمیزش اقوام تا اندازه ای در تغییر آداب و رسوم مردم تأثیر مینماید و ممکن است موجب اشتباه یا اشتباه کاری بیخبران و مغرضان واقع شود ولی ریشه و بنیاد این آداب و رسوم هیچگاه محو و نابود نخواهد شد. در سراسر خاک کردستان رسوخ و نفوذ دیانت اسلام بقدری زیاد است که آثار زمانهای دور و دوره های تاریخ پیش از اسلام را تقریباً تحت الشعاع قرار داده است ولی برای مطالعه کنندگان دشوار و غیر ممکن نیست که در خلال آداب و رسوم کنونی کرد نشانه های روشن و گواهان صادقی پیدا کنند که دال بر خصایص نژادی آنان باشد. برای نمونه در اینجا بنوشتن اعیاد و جشنهای مذهبی و ملی کردستان می پردازم.

۱ - عیدهای مذهبی که هر يك با نشانیات و اهمیت مخصوصی برگزار میشود.

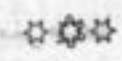
۲ - جشن نوروز ظاهر اهمیت باستانی خود را از دست داده است ولی باطن آن نار بزرگ و بارزی از این عید ملی در کردستان مشاهده میشود. در شب عید نوروز هر خانواده اعم از فقیر و غنی آتش افروزی و آتش بازی را لازم میدانند بطوری که در پشت بام عموم خانه ها شعله های آتش شهرها و قصبه ها و حتی دهها را مبدل بیک مشعل بزرگ و تابناکی میسازد. در عید نوروز رنگ نمودن تخم مرغ و تهیه نمودن سبزه و همچنین بازیهای تفریحی و انواع ورزشها و اسب سواری و رقصهای دستجمعی با ساز و دهل و آوازه های محلی رواج دارد و با وجود منع متعصبین در دیانت، این آثار ملی دستخوش زوال و فراموشی نگردیده است سابقاً اشعار نوروزنامه از طرف کودکان و گرفتن عیدانه از اولیای خویش مرسوم بود ولی مدتی است که آن رویه متروک گردیده است.

اینها عیاد عمومی و مراسمی بود که تمام طبقات در آن شرکت داشتند و در زبده کردی جایگاه عید (چون) بکار میبردند که همان جشن باشد علاوه بر این جشنها مجالس سرور دیگری بطور خصوصی غالباً فراهم میگردد که در آن مجالس زن و مرد (یک در میان) باهم میرقصند از قبیل مجلس عروسی و ختنه سوران یا رفتن عده ای از اهالی یک یا چند دهستان بیکدیگر از نقاط خوش آب و هوا که بعنوان زیارت میروند این زیارتگاه غالباً عبارت از محلی که مظهر یکی از مقدسین مذهب میباشد و آنرا (نظرگاه) مینامند از قبیل نظرگاه خضر زنده و غیره در این جا گوسفند میکشند و آواز میخوانند و میرقصند و چند شبانه روز را با شادمانی و شادکامی بسر میبرند و البته این زیارت در مواقعی انجام میشود که کشاورزان از کار خود فارغ شده و بیکار هستند. این نظرگاهها که گاهی آنها را (شخص) نیز میگویند با چند پرچم سفید با سبز آراسته شده اند و اگر از مراکز مهم باشد دارای خادم و متولی نیز میباشد.

هنگامی رقصهای دسته جمعی آغاز میشود؛ در هر جشنی که باشد، کسانی که خوب میرقصند مورد تشویق

عدهای قرار میگيرند باین ترتیب که با افشادن بول آنها را (شاپاش) میسایند و بافتخار آنان برای نوازندگان و خوانندگان نیز بولهای میریزند .

تشریفات عروسی نسبتاً مفصل وشایان توجه است ، مجلس عقدکنان خیلی ساده و بطور خصوصی برگزار میشود ولی در جشن عروسی یعنی شبی که عروس بخانه دامادمیرود مجلس سروروشادی گرم و بهر هیاهو میباشد برای آوردن عروس باید عدهای از محرمین بخانه عروس بروند و عروس را تا نصف راه آورده و متوقف سازند تا داماد باتفاق رفقای خود (ساق دوشها) که با اصطلاح کردی برادر داماد نام برده میشوند برای پیشواز بنقطه توقف عروس برسد و دودهدیه کوچک از قبیل دو قطعه نبات یا دوسیب در کف دست کسانی قرار دهد که بازوی عروس را گرفته اند پس از آن بخانه خود بسرعت برگردد و در بالای بام یعنی در روی معبر عروس قرار گیرد تا در آینده تسلط او بر عروس تأمین شود و پس از ورود عروس باطاق مخصوصی که در آن عدهای از زنان حاضر هستند داماد باتفاق دو نفر از ساق دوشها با آنجا وارد میشود وشالی را که قبلاً برادر یا رفیق داماد بر کمر عروس بسته است باز نماید و باطاق خود برگردد .



در شماره آینده جریان جشن های خواستگاری و عروسی را در بین زرتشتیان مقیم ایران که بسیار اجالب و خواندنی است از لحاظ اندک شهادتی که با مراسم فوق الذکر دارد درج خواهیم کرد .

بشوتن

حسین و خاوره

وقتی که کوروش اول مشغول جنگ با کرزوس پادشاه لیدیه بود یونانیها از موافقت با او سر باز زدند ولی چون موارد مسخر شد نسبت باو اظهار تبعیت کردند کوروش در جواب گفت: صیادی برای ماهیانی نمی میرد تا برقصند آنها حرکتی نکردند پس تور صیادی گرفته آنها را بخاک انداخت آنکام بنای جست و خیز را گذاشتند صیاد گفت رقاصی موقوف چه آن زمان که من میل داشتم نرقصیدید و اکنون از رقص شما خوشم نمی آید .

دو مبارز

روزی (بیل بشر) که به گردن کلفتی و ماجرا جوئی معروف بود برای صرف نهار به مهسانخانه ای رفت و پالتوی خود را کنبه در گوشه ای گذاشت و برای اینکه از شر دزد در امان باشد مضون زیر را بر روی کاغذ نوشته و پالتوی خود سنجاق کرد .
« این پالتو تعلق به بیل بشر جنگجوی معروف دارد و سه دقیقه دیگر مراجعت خواهد کرد . »
هنگامیکه بسروقت پالتوی خود آمد انری از آن ندید ، کسی دیگر بر روی کاغذ نوشته بود پالتوی شمارا دونده مشهوری برداشته و هرگز مراجعت نخواهد کرد .